

Sociology and Psychology of War in Translation of Yamini's History Book

Ahmad Amiri Khorasani

Professor of Persian language and Literature, Kerman university, Kerman, Iran, amiri@mail.uk.ac.ir

Zahra Mirshekar *

Ph.D. student of Persian language and Literature, Kerman university, Kerman, Iran,
baranmirshekar@yahoo.com

Abstract

Sociology and psychology of war are new research areas, expressing the detrimental effects of war on communities in these two aspects. Few researchers dug into these fields. In this paper, this subject has been studied by using translation of Yamini History book, written in the year of 603 AH by Abushraf Nasehiben Zafar Jarfadeghani which is a translation of Atabi History book, written in 427 AH; the fifth century, by Abu Nasr Mohammdiben Abdoljabar Atabi. Observation of suffering of many people, destruction and devastation of human, spiritual and unspiritual resources and difficulties and suffering caused by the war have stimulated the scholars to engage in researching this field. The results of this study indicated that, from the sociology of war view angle in era of Ghaznavian earning power, enthusiasm and zeal, greed, revenge, anger, looting and religious issues were causes of war which had social impacts such as change in the population, economy and values. From the perspective of the psychology of war mental disorders, stress, anxiety, fear, hatred, suspicion and jealousy, deception and bondage which resulted sometimes in death were results of war. The world has always been and will be a battlefield; we can get to know with the great works of our own scientific and cultural icons in order to learn how to behave encountering unexpectedness and become an obstacle to looters.

For the purpose of this study, literature, historical, literary and narrative resources were used and fisheye technique and expression were utilized directly and then the analysis was performed.

Keywords: Technical Prose, Yamini History, Sociology of War, Psychology of War.

* Corresponding author

جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جنگ در ترجمه تاریخ یمینی

احمد امیری خراسانی* - زهرا میرشکار**

چکیده

جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جنگ، از عرصه‌های جدید پژوهشی است که اثرهای ناپسند جنگ را بر جوامع بررسی می‌کند. محققان و پژوهشگران، کمتر در این باره سخن گفته‌اند. این موضوع در این جستار با استفاده از کتاب ترجمه تاریخ یمینی، نوشته ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی در سال ۶۰۳ هجری، توصیف و تحلیل شده است. این اثر ترجمه تاریخ عتبی از ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی در سال ۴۲۷ هجری است. مشاهده درد و رنج بسیار مردم، نابودی منابع انسانی، مادی و معنوی جوامع، ایجاد مشکلات و سختی‌های برخاسته از جنگ و اجبار آنها بر مردم، پژوهشگران را بر آن داشت تا در این باره بررسی و تحقیق کنند. علت‌های شروع جنگ در عصر غزنویان برپایه نتایج این تحقیق و از دیدگاه جامعه‌شناسی عبارت است از: کسب قدرت، غیرت، طمع، تلافی‌کردن، خشم و نفرت، غارت، مسائل دینی و مذهبی. هم‌چنین از اثرات اجتماعی جنگ‌ها به تغییر و تحول در جمعیت و اقتصاد و آشکارشدن ارزش‌ها می‌توان اشاره کرد. جنگ از دیدگاه روان‌شناسی به اختلال روانی، استرس، اضطراب و ترس، نفرت، سوءظن و حسادت، مکر، اسارت و گاهی حتی مرگ نیز می‌انجامد. دنیا همیشه میدان جنگ بوده است و خواهد بود؛ البته به وسیله مطالعه و انس با آثار بزرگان علمی و فرهنگی، چگونگی رفتار در رویارویی با حوادث زمان را می‌توان فراگرفت و موانعی بر سر راه غارتگران و چپاولگران قرار داد. برای این پژوهش از منابع علمی تاریخی و ادبی و روایی بهره گرفته شد. این جستار با روش فیش‌برداری و بیان مطلب به صورت مستقیم و سپس تحلیل آن به انجام رسید.

واژه‌های کلیدی

نثر فنی؛ تاریخ یمینی؛ جامعه‌شناسی جنگ؛ روان‌شناسی جنگ

* استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران amiri@mail.uk.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسؤل) baranmirshekar@yahoo.com

۱- مقدمه

جنگ یکی از پیچیده‌ترین و رازناک‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که از زمان‌های بسیار دور در بین جوامع بشری مشاهده می‌شود و بر مردم بسیار تأثیر گذاشته است. «جنگ به فتح اول و سکون ثانی و گاف معروف است که جدال و قتال باشد» (برهان، ۱۳۶۲: ذیل جنگ) یا «بیکار و درآویختن انسانی یا حیوانی با دیگری» (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲: ذیل جنگ) را جنگ گویند.

جنگ یکی از اساسی‌ترین و قدرتمندترین و مهم‌ترین نوع برخورد و ارتباط بین کشورها و انسان‌هاست. «آدمی از سه هزار و چهارصد سال تاریخ شناخته‌شده، تنها حدود دویست و پنجاه سال در صلح عمومی به سر برده است» (بیگدلی، ۱۳۷۳: ۱). انسان‌ها بقیه این سال‌ها را در جنگ با یکدیگر گذراندند و تعداد بسیاری از هم‌نوعان خود را نابود کردند. دورکیم در این باره می‌گوید: «جنگ آفریننده تاریخ است. جنگ‌ها به‌رحال مشخص‌ترین مبادی تاریخ و درعین‌حال، مرزهایی هستند که مراحل مهم حوادث را از یکدیگر متمایز می‌کنند» (بوتول، ۱۳۶۸: ۱). «جنگ بسته‌ترین جوامع را وامی‌دارد تا دیر یا زود دروازه‌های خود را بکشایند» (همان: ۲)؛ به همین سبب از اهمیت جنگ و میزان تأثیرگذاری آن بر تمدن‌های بشری نمی‌توان غفلت ورزید. جنگ را از نگرش‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... می‌توان بررسی کرد؛ اما تاکنون مطالعات کافی، درست و مفیدی در این زمینه انجام نشده است. از همین روی جنگ در این پژوهش از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در ترجمه تاریخ یمینی، یکی از آثار باارزش و نفیس فرهنگ و ادب ایرانی، بررسی می‌شود. این اثر از نظر ویژگی‌های ادبی و تاریخی و نقل تاریخ بسیار اهمیت دارد.

ترجمه تاریخ یمینی درباره تاریخ غزنویان است و به گفته ابن خلدون «این دولت از شاخه‌های دولت آل سامان بود و از آن پدید آمد و در بسط و عزت به مرتبتی عظیم رسید و بر دولت آل سامان در دو سوی جیحون و ماوراءالنهر و خراسان و عراق عجم و ترک و نیز بر هند استیلا یافت» (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۹۵). در این اثر، وقایع و رویدادهای آن دوران بیان و شرح شده است؛ از جمله این رویدادها جنگ‌هایی است که به فرمان سلاطین و امرا آغاز می‌شود و با پیروزی یا شکست به پایان می‌رسد.

هر جنگی مسائل فرعی و پیامدهای بسیاری داشته است که نویسندگان تاریخی به سبب عواملی، آشکارا به آنها نپرداخته‌اند؛ برای مثال در صفحه بیست و سه این کتاب این‌گونه آمده است: «امیر ناصرالدین از قلب لشکر خویش حمله کرد و لشکر خصم را در مضایق محله‌های شهر ریخت و خلقی بسیار از ایشان به زخم تیغ آورد و دیگران هزیمت شدند». نویسنده این اثر به‌طور روشن درباره کشتگان جنگ و شکست‌خوردگان سخنی نمی‌گوید. امروزه نیز تعداد اندکی از محققان به بررسی و مطالعه عینی ویژگی‌ها و جنبه‌های مختلف جنگ می‌پردازند.

۱-۱ بیان مسئله

جنگ‌های دلخراش داخلی و خارجی در بیشتر کشورها به کشتار بسیار کودکان و زنان و انسان‌های بی‌گناه می‌انجامد و افزون‌بر ویرانی خانه و کاشانه‌های بسیار، آنان را آواره می‌کند. استفاده از ابزارآلات جنگی مختلف باعث نابودی محیط زیست، حیوانات، محصولات کشاورزی و در نتیجه از بین رفتن منابع طبیعی می‌شود؛ توجه به این موضوع و هم‌چنین مشاهده مجروحان جسمی و روحی جنگ باعث شده است تا محققانی در این باره جستجو و تحقیق کنند و انسان و انسانیت جامعه و محیط زیست را مسئله اصلی خود قرار دهند. تحقیق و بررسی درباره جنگ و مسائل پیرامون

آن یکی از شاخه‌های جدید پژوهشی است که چند سالی پیش از آغاز آن نمی‌گذرد. جنگ از زمان هبوط انسان با کشته‌شدن یکی از فرزندان حضرت آدم (ع) با انسان همراه بوده است و همچنان مسئله‌ای جداناپذیر از انسان است. محقق در این نوع پژوهش‌ها، از جمله این جستار، می‌کوشد تا علل و عوامل ایجاد جنگ و اثرات اجتماعی، روحی و روانی آن را بر افراد حاضر در جنگ بررسی کند. او با بیان اثرات جنگ دیدگاه روشن‌تر و گسترده‌تری از این پدیده نامبارک به جامعه انسانی ارائه می‌دهد. از همین روی، این موضوع در ترجمه تاریخ یمنی از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، بررسی می‌شود تا حقایق جنگ و اثرات اجتماعی و روحی و روانی آن بر جامعه بشری نیز آشکار گردد.

۲-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق

جنگ یکی از واژه‌های آشنا برای انسان امروزی است که با پوست و گوشت و روح و روان هر فرد آمیخته شده است. متأسفانه جنگ بیش از هر بلایی مصیبت و فاجعه می‌آفریند و تمدن‌های بزرگ و کهن را نابود می‌کند؛ حتی زندگی افراد و محیط زیست آنان را دگرگون می‌کند. فقط «در سده بیست، بیش از صد میلیون نفر در جریان جنگ‌ها کشته شدند» (کاپلو و ونسن، ۱۳۸۹: ۹). این موضوع یادآور آیات مقدس قرآن است که «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُمْ؛ به کدامین گناه کشته شدند» (تکویر: ۹).

ترجمه تاریخ یمنی وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان محمود و جنگ‌های او در هند را دربرمی‌گیرد. این اثر در این باره داد سخن را ادا کرده است؛ چنان‌که گویی قدم به قدم سلطان را دنبال می‌کند (جرفادقانی، ۱۳۸۲: ۱۱)؛ از این رو این کتاب یکی از مآخذ بسیار مهم در این زمینه است. پژوهشگران در این جستار می‌کوشند فضای جامعه آن روزگار را آشکارتر کنند و با کنارزدن حجاب‌ها، اهداف آغازگران جنگ و ایجاد مشکلات برخاسته از آن را بر مردم تبیین کنند. خوانندگان با بیان تحلیل و توصیف علت‌ها و مسائل آن عصر و زدودن پرده‌های ابهام، ابهام و اغراق و نمایان شدن واقعیت‌ها، قدرت شناخت بیشتر و بهتری می‌یابند و این‌گونه از نابودی مادی و انسانی جوامع جلوگیری خواهد شد؛ هم‌چنین در تصمیم‌گیری‌ها نسبت به مسائل، به‌ویژه جنگ، توجه بیشتری خواهد شد. جنگ همیشه با بشر بوده است؛ به‌گونه‌ای که به‌صورت یک همزاد بشر درآمده است؛ حتی در عصر حاضر نیز مانند دوران گذشته «جنگ در روابط بین ملت‌ها مستتر است» (بوتول، ۱۳۶۸: ۱۲۷). از سوی دیگر انجام چنین پژوهش‌هایی برای تحقق صلح و امنیت و ایجاد شرایط پایدار لازم و ضروری است. امروزه جنگ مشغله اصلی دولت‌هاست و شناخت و درک درست جنگ از نتایج این نوع پژوهش‌ها حاصل می‌شود؛ هم‌چنین این پژوهش‌ها هشدار برای آنان است که هر روز طبل جنگ جدیدی را به صدا درمی‌آورند؛ زیرا دیگر به بهانه‌های پوچ، عوام‌فریبانه یا بیان غیرارادی بودن جنگ، عمل خود را نمی‌توانند توجیه کنند و مردم را بفریبند؛ شاید این خود حرکتی برای دنیای بدون رنج و درد برخاسته از جنگ و خونریزی است.

۳-۱ پیشینه تحقیق

شیوه و سبک پژوهش جدید است و مدت زمان طولانی از این نوع پژوهش نمی‌گذرد؛ به همین سبب تحقیقات و پژوهش‌های اندکی در این زمینه یافت می‌شود که آن هم یا کلی است و یا به‌صورت بسیار جزئی به تعریف اصطلاحات و... پرداخته است. در بررسی‌ها و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، هیچ مطلب مستقیمی در این باره مشاهده نشد. ترجمه تاریخ یمنی به سبب بیان حوادث و رخداد‌های تاریخی و از جمله بیان جنگ‌ها، مشکلات و سختی‌های برخاسته از این جنگ‌ها منبع بسیار خوبی برای تحقیق و بررسی در این زمینه است که البته کمتر به آن توجه شده است. از متونی

که در این زمینه نوشته شده است به این آثار می‌توان اشاره کرد: زمینه جامعه‌شناسی از آگ برن و نیم کف (۱۳۵۳)، جامعه‌شناسی جنگ از گاستون بوتول (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی جنگ از تئودور کاپلو و پاسکال ونسن (۱۳۸۹) و جامعه‌شناسی جنگ نیروهای نظامی از مهدی ادیبی سده (۱۳۷۹). البته مسئله جنگ و علل و اثرات اجتماعی آنها در این کتاب‌ها به‌طور کلی بررسی شده است.

۱-۴ روش پژوهش

شیوه این پژوهش، متن‌پژوهی است؛ به همین سبب بیشتر منابع از کتاب‌های علمی، اجتماعی، تاریخی، ادبی است. روش کار کتابخانه‌ای و اسنادی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. فیش‌برداری به‌صورت مستقیم از متن ترجمه تاریخ یمینی انجام شد و سپس تحلیل گردید.

۲- بحث

برای بررسی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جنگ در ترجمه تاریخ یمینی، ابتدا تعریفی از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بیان می‌شود.

۱-۲ جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسی مانند سایر علوم تکامل تدریجی داشته است. افرادی مانند سقراط، ارسطو، افلاطون، فارابی، ابن‌خلدون، سنت اگوستین، روسو، مونتسکیو، آگ برن و... در توسعه، ترویج و شکل‌گیری این علم به‌صورت امروزی نقش ویژه‌ای داشته‌اند. فیلسوف فرانسوی به نام آگوست کنت، پدر جامعه‌شناسی شناخته می‌شود. آگ برن در تعریف جامعه‌شناسی می‌گوید: جامعه‌شناسی، علم زندگی اجتماعی است؛ هم‌چنین به سبب نظم و سامان داشتن عناصر زندگی اجتماعی، جامعه‌شناسی نیز علم سازمان‌های اجتماعی است (آگ برن و نیم کف، ۱۳۵۳: ۸۹). آگوست کنت نیز معتقد است «جامعه‌شناسی علم قوانین کلی پدیده‌های اجتماعی می‌باشد که خود حاصل عمل تاریخی و واقعیات اجتماعی پیچیده‌ای است که به‌صورت کلی اخذ شده و به‌صورت یک سیستم کلی از قوانین درآمده است» (قرائی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۳). به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت: «جامعه‌شناسی باید تغییرات اجتماعی، کارکردهای اجتماعی و جای مناسب فرد در جامعه را توضیح دهد» (آزبورن و بورین، ۱۳۷۸: ۱۰).

جامعه‌شناسی از نظر هدف، موضوع و روش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

۱. جامعه‌شناسی نظری که معمولاً جویای کشف قوانین سازمان‌های اجتماعی است؛
 ۲. جامعه‌شناسی علمی که خواستار بهره‌برداری از اکتشافات جامعه‌شناسی نظری است.
- جامعه‌شناسی از نظر موضوع تحقیق به شاخه‌های بسیار متنوعی تقسیم شده است؛ جامعه‌شناسی اقتصادی، سیاسی، حقوقی، ادبیات، جنگ (سلیم، ۱۳۶۴: ۱۲) از این جمله است.

۲-۲ روان‌شناسی: یا علم النفس، در حدود دو هزار سال با فلسفه آمیخته بود و بعدها به‌صورت شاخه‌ای مستقل از آن جدا شد. ردلف گروکلینوس (Rudoph Grvklynvs) در قرن شانزدهم میلادی، اصطلاح پسیکولوژی یا روان‌شناسی را مطرح کرد. او از اهالی ماربورک آلمان و معلم و منطق‌دان بود.

روان‌شناسی از اواخر قرن نوزدهم به‌صورت یک علم تجربی برای مطالعه علمی رفتار درآمد. مسائل روان‌شناسی در متون و آثار باقیمانده از دانشمندان و فیلسوفان قبل از میلاد مانند بقراط، پدر علم پزشکی، افلاطون و ارسطو نیز مشاهده می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۹ - ۲۰).

در میان آثار دانشمندان مسلمان مانند ملاصدرا، محمد غزالی، ابن‌سینا و... درباره مسائل روان‌شناسی مطالبی دیده می‌شود. در دوران بعد نیز افرادی مثل دکارت، جان لاک، ژان ژاک روسو، فرانتس آنتون و... در مبحث روان‌شناسی وارد شدند و نظریه‌هایی بیان کردند. برای روان‌شناسی، تعریف‌های مختلفی بیان شده است. «بعضی روان‌شناسان ذهن را برخی، مطالعه حالات روانی از قبیل احساس و ادراک را و همچنین بعضی رفتار را موضوع روان‌شناسی قرار دادند. مهم‌ترین مسئله در روان‌شناسی همین رفتار است و بهتر است در تعریف روان‌شناسی مهم‌ترین تعریف را تغییر رفتار بدانیم؛ بدین معنی که روان‌شناسی عبارت است از مطالعه جنبه‌های مختلف رفتار موجود زنده و ارتباط آنها با یکدیگر در تأثیر متقابل با محیط» (همان: ۳۵) یا اینکه گفته شود روان‌شناسی عبارت است از «مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای ذهنی» (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۸۵: ۱۹).

۲-۳ تاریخ یمنی: ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی در قرن ششم ترجمه تاریخ یمنی را به رشته تحریر درآورد. این کتاب ترجمه تاریخ عتبی از ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی (متوفی ۴۲۷ ق) است که به تاریخ یمنی معروف شده است. این اثر تاریخ اواخر عهد سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی یمن‌الدوله است و به همین سبب به تاریخ یمنی شهرت یافت (شمیسا، ۱۳۷۷: ۹۸). این کتاب را از جنبه‌های مختلفی می‌توان بررسی کرد. جنبه‌های ادبی این اثر بسیار مهم و ارزنده است؛ «داستان‌های دلکش و نغز پندهای مؤثر و عبارات بدیع و ابیات شیوا و دلپذیر سراسر کتاب را فراگرفته است» (جرفادقانی، ۱۳۸۲: ۱۲). ملک‌الشعراى بهار در اهمیت این اثر می‌گوید: «من بعد از نثر ابوالمعالی و کليلة، نثری از نثر جرفادقانی استوارتر و دلپذیرتر نیافته‌ام، نه از وطواط و بهاء‌الدین چنین سخن شنیده و نه از قاضی حمید و نورالدین منشی چنین عبارات بدیع و بلند دیده‌ام و آنجا که دست قلم را آزاد ساخته و قصدش پرداختن معنی صرف است در کمال فصاحت و سلامت از عهده ادای مقصود برآمده و در آنجا که قلم را نگاه داشته است نیز به‌خوبی حق صنعت را ادا کرده است» (بهار، ۱۳۸۱: ۳۸۵). در این اثر سخنان ارزشمندی درباره مسائل فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، آداب و رسوم آن زمان، مطالب روایی و احادیث و تاریخی بیان شده است؛ به‌گونه‌ای که برای نویسندگان پس از خود یک منبع مهم و معتبر به شمار می‌آید و بسیاری از نویسندگان مستقیم و غیرمستقیم در نوشته‌های خود از این کتاب بهره می‌برند.

مصنف در این کتاب وقایع تاریخی اواخر سلسله سامانیان، پیروزی ترکان غزنوی و انقراض حکومت سامانیان در سال ۳۶۰ هجری را بیان می‌کند. سلسله غزنویان «از سال ۴۳۱ تا ۵۸۳ یعنی به مدت ۱۵۰ سال ادامه داشت. مؤسس این سلسله، سبکتکین، حکومتی در شهر غزنه تأسیس کرد و از این‌روی به سلسله غزنویان مشهور شد» (خلیل‌الله مقدم، ۱۳۸۰: ۴۲۸)؛ البته در کتاب فرهنگ دانستنی‌های تاریخ و تمدن اسلام این‌گونه آمده است: «غزنویان توسط آلتکین تأسیس شد و در افغانستان و هندوستان از ۳۵۱ تا ۵۸۲ هجری (۲۳۱ سال) حکومت کرد» (حیدری، ۱۳۷۷: ۹۷). در تاریخ یمنی جنگ‌های سلاطین و حمله‌های سلطان محمود به‌صورت کامل شرح شده است؛ افزون‌بر این از سایر سلسله‌ها مانند خوارزمشاهیان، سیمجوریان، آل زیار، غوریان، افغانیان، هندویان و... مطالب و توضیحاتی آورده شده است. نویسنده سعی کرده است مطالب را به‌صورت روشن و درست بیان کند. در میان مطالب، اغراق و مدح نیز مشاهده می‌شود؛ اما راه شناخت درست و صحیح از فراسوی مطالب آشکار است. انسان با مطالعه این‌گونه آثار و متون تاریخی افزون‌بر کسب آگاهی از اتفاق‌های گذشته، مسائل و رخداد‌های زمان حال یا آینده را می‌تواند تجزیه و تحلیل کند و با تشخیص درست از نادرستی، آینده بهتری برای خود و جامعه می‌آفریند. حضرت علی^(ع) در نهج‌البلاغه در این

باره فرموده‌اند: «اِسْتَدِلَّ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ، فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ، وَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بِالْعَتِّ فِى إِيْلَامِهِ، فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَابِ؛ نَسَبَتْ بِهِ أَنْجَحَ إِطْلَاعِ نَدَارَى مِنْ أَنْجَحَ غَاضِبَةٍ اسْتِجَابَةً بَغِيرَ؛ زِيْرَا حَوَادِثُ شَبِيْهَةٌ يَكْدِيْغِرُنْدُ. مِنْ أَنْ كَسَانِي نَبَاشُ كَهْ پَنْدِ وَاقْتِيْ دَرِ مَغْرِشِ اَثَرِ مِيْ كَزَارْدِ كَهْ اَوْ رَا شَكْنَجَهْ دَهِيْ؛ زِيْرَا عَاقِلٌ بِا رِفْتَارِ مَنَاسِبِ پَنْدِ مِيْ كِيْرِدُ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

۲-۴ جامعه‌شناسی جنگ در تاریخ میمنی: جنگ از دیدگاه جامعه‌شناسی، یک پدیده اجتماعی است. آن را یک ابداع بشری نیز دانسته‌اند و در این باره تعاریفی بیان کرده‌اند؛ از جمله آن، تعریف پاره تو (vilfre de pareto) است: «جنگ ابزاری لازم برای گردش نخبگان است» (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۵۵). امیل دورکیم نیز می‌گوید: «جنگ، نشانه یک بیماری و بی‌نظمی اجتماعی است» (همان: ۵۶). گاستون بوتول معتقد است «جنگ، مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته است» (بوتول، ۱۳۶۸: ۳۳).

نظر بیشتر جامعه‌شناسان در تعریف جنگ در جایگاه یک پدیده اجتماعی با هم متناسب است و فقط از نظر نحوه پیش‌بینی و آینده‌نگری آن با یکدیگر اختلاف دارند. آنها به دو گروه خوشبینان و بدبینان تقسیم می‌شوند. خوشبینان «عقیده دارند که جنگ‌ها زاده ساختار اجتماعی هستند و باید امیدوار بود و پیش‌بینی کرد که روزی این ساختار دگرگون شود. بدبینان معتقدند که جنگ پدیده‌ای است ابدی و غالباً مفید» (بوتول، ۱۳۶۸: ۲۲). متأسفانه مطالعه و تحقیق اندکی درباره جنگ و مسائل مربوط به آن ارائه شده است؛ اما امروزه هر فردی با اندک مطالعه و نگاهی گذرا، نادرستی پیش‌بینی‌های این گروه‌ها را می‌تواند دریابد. از همین روی در این مبحث سعی می‌شود با بررسی درست جامعه‌شناسی جنگ در ترجمه تاریخ میمنی گوشه‌ای از علت‌ها و نتایج و آثار جنگ در جامعه آن روز بیان شود.

۲-۴-۱-۲ علل شروع جنگ

علل آغاز جنگ متفاوت بوده است؛ اما بیشترین و بارزترین علت‌های آغاز جنگ در تاریخ میمنی در ادامه بیان می‌شود.

۲-۴-۱-۲-۱ کسب قدرت و یا تحکیم و گسترش آن از شیوه‌های مختلف

دوست داشتن جاه، مقام و قدرت یکی از ویژگی‌های بیشتر انسان‌هاست که برای کسب آن بسیار تلاش می‌کنند. قدرت در جایگاه توانایی صرف می‌تواند برای ابزارسلطه استفاده شود (هیندس، ۱۳۸۰: ۲). بسیاری از جنگ‌ها برای کسب قدرت است؛ زیرا افراد این‌گونه به خواست‌های درست و نادرست خود می‌توانند دست یابند. یکی از ابزارهای مهم قدرت، نیروی انسانی و نظامی بسیار است. فرمانروایان همیشه در پی افزایش نیروی انسانی و نظامی خویش بوده‌اند و با افزونی این نیروها مغرور می‌شدند و طغیان می‌کردند. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (آن رءاه استغنی) به یقین انسان طغیان می‌کند از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند (علق: ۵ و ۶). برای این موضوع در این کتاب شاهد‌های فراوانی وجود دارد.

«از امیر ابوالفوارس بن عضدالدوله لشکر خواست و او دو هزار سوار گزیده از انجاد عرب مدد فرستاد و فایق با جمعی انبوه بدو پیوست و چندان لشکر جمع شد که کوه و هامون برتافت» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۷۴).

«درین حال طاهر بن الفضل ناحیت صغانیان را از ابوالمظفر محمد بن احمد محتاج شده بود و به تغلب در ولایت او نشست» (همان: ۹۴).

«ایلک خان مستعد کار شد... لشکری فراهم آورد که کوه و هامون از آن به جوش آمد و فضای جهان از کثرت

جمعیت ایشان تنگ شد» (همان: ۱۳۵).

«ابوالقاسم بدین سخن التفات نمود و به غلبه رعا و کثرت اتباع مغرور گشت و بر حول و قوت خویش اعتماد کرد و از عواقب خطر و تهور و خواتم بغی و تنمر غافل ماند و مصاف بیاراست و جنگ را بسیج کرد» (همان: ۱۶۶).
«چون عبدالملک بن نوح و فایق از آن هزیمت به بخارا رسیدند و بکتوزون نیز بدیشان پیوست و لشکرهای متفرق جمع شد، دیگر بار خیال استقلال و امید انتعاش و طمع ارتیاش پیش گرفتند و اندیشه استیناف مناجزت و مبارزت بر مزاج ایشان مستولی شد» (همان: ۱۸۳).

«اصفهد شهریار... به کثرت لشکر و وفور مال مغرور شد و سپاه فراهم آورد» (همان: ۲۴۲).
«او از سر نخوت و سکر غرور به کثرت اتباع و اشیاع خویش از شهر بیرون آمد و به اعتماد قوت ابطال و شوکت افیال به مقابله ایستاد» (همان: ۲۷۶).

«و لشکر ماوراءالنهر به جملگی جمع کرد و با پنجاه هزار عنان از جیحون گذر کرد، مغرور به حول و قدرت قدرخان و کثرت عدید و بأس شدید و حبل متین و بسطت و تمکین او» (همان: ۲۸۵).

۲-۱-۴-۲ غیرت و حمیت

غیرت از کمالات و ملکات انسانی و اخلاقی است و به معنی حفظ و نگهداری ناموس و آبروی فرد است. کاربرد نادرست غیرت موجب فساد و تباهی می‌شود. بسیاری از جنگ‌های تاریخ به سبب استفاده نادرست حمیت و غیرت بین افراد و گروه‌ها روی داده است و این غیرت برای ملت‌ها بسیار گران تمام شده است.

«از سر حمیت برنشستند... چون پروانه خود را در آتش دمار انداختند و آن لشکرها از ممکن بیرون تاختند» (همان: ۸۲).
«چون مأمون بن محمد والی جرجانیه ازین حال آکه شد آتش غیرت در نهاد او زبانه زد و قلق و اضطراب حمیت برو مستولی گشت، جمرات لشکر و آنجاد حشم خویش را جمع کرد و ایشان را با حشمی بسیار و طایفه‌ای... بر سر خوارزمشاه فرستاد» (همان: ۱۳۰).

۲-۱-۴-۲ طمع

طمع، حریص بودن به اموال و دارایی دیگران است. انسان طمع‌کار هیچ‌گاه سیر نمی‌شود. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: **إِنَّا كُمْ وَالطَّمَعُ فَإِنَّهُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ**؛ از طمع بهره‌زید که فقر آماده است (شیروانی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). حرص و طمع، انسان را به ورطه نابودی و هلاکت می‌کشاند؛ زیرا انسان را به سوی گناهان مختلفی مانند ظلم، غصب و خیانت سوق می‌دهد.

«طمع خان در ملک خراسان و سریر آل سامان به استحکام پیوست و حرص او بر تنجز آن اطماع و تورد آن بقاع زیادت شد» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۹۳).

«فترت رأی و طمع خام و فرط وقاحت، او را بر آن داشت که پیشانی به کار باز نهاد و روی به بخارا آورد تا بر سبیل تحکم و تغلب ملک نوح را با دست گیرد و سدی از تهور در پیش حمله کراهیت او کشد» (همان: ۱۰۰).
«نصر بن الحسین بن فیروزان، به سبب قحطی که در ولایت دیلم حادث شده بود به ولایت ایشان افتاد و در ولایت طامع شد و لشکری بر سر ایشان فرستاد» (همان: ۲۲۸).

۲-۱-۴-۲ ۴-۱-۴-۲ انتقام و جبران حقارت

شکست، تحقیر، ناتوانی جسمی، نقص‌ها و دیدن برتری اشخاص دیگر، در بعضی منشأ احساس حقارت می‌شود.

«تلاش برای رسیدن به کمال‌طلبی و مقابله با حقارت از طریق برتری‌طلبی امری کاملاً غریزی است» (اسپربر، ۱۳۷۹: ۱۰)؛ اما «آنچه در این فرآیند، غیرطبیعی و نابهنجار محسوب می‌شود تبدیل این احساس به عقده حقارت است... در اینجا است که فرد برای جبران آن به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود» (همان: ۱۲) و اگر از قدرت و موقعیتی برخوردار گردد از آنها سوءاستفاده می‌کند و خسارات بسیاری به اجتماع بشری می‌زند.

«چون استاد ابوعلی عارض به جرجان رسید و استیلاء اوباش و استعلاء اراذل دید، از بقایای قومی که به خراسانیان دست‌درازی کرده بودند و مست غرور گشته و سر به بطالت و بسالت برآورده، به تلافی آن مشغول شد... بعضی را بر درخت کشید و بعضی را نشانه تیر کرد و قومی را بر تیغ بگذرانید» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۸۳).

«از هر جانبی فوجی کمین بگشودند و اذنان و رجاله خوارزمشاه را به تیغ انتقام گرفتند، بعضی را بکشتند و دیگران را آواره کردند» (همان: ۱۳۰).

۲-۴-۱-۵ خشم، نفرت و دشمنی

خشم و نفرت، تأثیر بسزایی در پیدایش جنگ‌ها دارد. «نخستین حملات خشم سخت و شدید است» (تاوریس، ۱۳۸۸: ۳۰)؛ به گونه‌ای که به نابودی پیوندها و دوستی‌ها می‌انجامد. فرد قدرت‌طلب در فرآیند کسب قدرت، احساس کینه و دشمنی مردم را تحریک می‌کند و به آن مشروعیت می‌بخشد (اسپربر، ۱۳۷۹: ۷۲) و این‌گونه باعث نابودی انسانیت می‌شود.

«از سر غیظ شهر را غارت کرد» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

«ظاهر بن زینب و دیگر قواد و امراء خلف... سرایر ایشان به مباحضت او و نفرت از او مایل گشت، عصابه عصیان به پیشانی باز بستند و شهری که دارالاماره بود به دست فرو گرفتند» (همان: ۲۱۱).

«و نفرت همه از عوادی مضرّت و غوایل معزّت قابوس نقصان نمی‌پذیرفت» (همان: ۳۴۹).

«ابوالفوارس برادر او به کرمان مقیم بود، میان هر دو برادر مشاحشتی ظاهر شد و بدان رسید که سلطان الدوله لشکری به کرمان فرستاد» (همان: ۳۶۲).

۲-۴-۱-۶ غارت و کسب غنیمت

هنگامی که گروه مهاجم در زمان جنگ به برداشتن، سرقت و چپاول اموال و دارایی افراد پردازد، درحقیقت آنان را غارت کرده است.

«ابوعلی نسفی را به استخراج وجوه و استحاثات اموال فراداشت تا دست ظلم و مصادره دراز کرد و خطه خراسان به اسرها بغارتید و رعیت را به ممکن و ناممکن مطابقت کرد تا خون در رگ وضع و شریف بنگذاشت» (همان: ۹۱ و ۹۲).

«اوباش و اراذل آن قوم دست تعدی و تطاول به اذنان حشم او دراز کردند و بعضی بنه را بغارتیدند... چون سیف‌الدوله... حرص غالب و طمع کاذب ایشان در نهب و سلب اتباع خویش بدید... دانست که اغضاء ایشان از سر رضایت و سکون ایشان موجب اغرا... بفرمود تا طایفه‌ای از لشکر پیرامن آن اوباش درآمدند و همه را به قتل آوردند» (همان: ۱۷۵ و ۱۷۶).

«لشکر اسلام را از انفال و غنایم ایشان مال‌های موفور و رغایب نامحصور به دست آمد و... سلطان را از دیار هند مملکتی مسلم شد که عرصه خراسان در معرض آن ناچیز بود» (همان: ۲۰۹).

«او با آن لشکر به در ری رفت و دست به نهب و غارت دراز کرد و لشکر دیلم از آن سبب در بلای عظیم و غلای

شنیع افتادند» (همان: ۳۵۹).

«در این مسافت به هر قلعه‌ای که رسید، هر قلعه‌ای که دید بستد و خراب کرد و سبایا و غنایم آن برداشت» (همان: ۳۸۲).

۲-۴-۱-۷ علت‌های مذهبی و عقیدتی

دین اسلام، داعیه جهانی دارد و خود را متعلق به ملت و قوم یا نژاد خاصی نمی‌داند. همین مسئله باعث شده است که عده‌ای از این موضوع سوءاستفاده کنند. آنان این موضوع را در بیشتر جنگ‌ها همانند سرپوشی برای پنهان کردن علت اصلی جنگ، چپاول ثروت ملت‌ها و کسب قدرت و قتل عام مردم بی‌گناه، قرار می‌دادند. فرد خودکامه با اعتقادی جلوه‌دادن این احساسات، آن را پدیده‌ای شریف و اصیل نشان می‌دهد (اسپربر، ۱۳۷۹: ۷۲) و به سبب «وجود نداشتن بیش و جسارت و شهادت در مردم، زمینه و بستر مهم پیدایش و استقرار نظام استبداد و خودکامگی» در جامعه به وجود می‌آید (همان: ۷۵). نمونه‌های زیر مثال‌هایی در این باره است:

«تا آن نواحی را از خبث اهل شرک پاک گردانید و بساط دین و شریعت محمدی بگسترده و اهل آن بقعه را در بقعه اسلام کشید» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

«نیت غزوی دیگر محقق کرد که اعلام اسلام بدان مرتفع گردد و رایات شرک و کفر بدان منتکس و نگونسار شود» (همان: ۲۹۲).

«از جانب چین لشکری با صد هزار خرگاه به مخاصمت او و قصد بلاد اسلام بیرون آمد... طغان خان از اطراف ممالک اسلام از بهر مدافعت ایشان خواند و از انصار دین و مطوعه اسلام صد هزار مرد جمع کرد» (همان: ۳۶۲).

«قرب صد هزار مرد از مرده کفار بر فضای آن مصاف بر زمین انداختند، سرها وداع تن کرده و جان‌ها به عتاب قالب طالب مفارقت شده... و قرب صد هزار برده از ذراری و جواری ایشان که در حسن با ماه برابری می‌کردند... به دست اهل اسلام افتاد» (همان: ۳۶۶).

«و هر سال، نیت غزوی در دیار هند از برای نصرت اولیاء دین و قمع اعداء اسلام نذر کرد و آن را وسیلت نظام ملک و قوام دولت و سلامت حال و ثبات کار خویش ساخت» (همان: ۱۸۲).

«سلطان را دیگر بار هزّت غزو و نشاط مجاهدت متجدّد گشت... طایفه‌ای از جنود هنود که بر آکام و آجام این حدود بعیث و فساد و فسق و عناد برخاسته بودند، همه را طعمه سیوف و عرضه حتوف کرد و به تطهیر آن مواضع از خبث و نکد ایشان احتساب جست» (همان: ۲۱۰).

بعضی از جنگ‌ها نیز به علت‌های دیگری مثل بیگانه‌ترسی، مقابله‌به‌مثل، منافع مادی و... به وجود آمدند. پس از بررسی علل جنگ، اثرات اجتماعی جنگ در جامعه بررسی می‌شود.

۲-۴-۲ اثرهای اجتماعی جنگ

۲-۴-۲-۱ جنگ و جمعیت

کشتار، یکی از جنبه‌های مهم جنگ است. در هر جنگ، تعداد زیادی از افراد مهاجم یا هجوم‌واقع‌شده کشته و زخمی می‌شوند که تعداد آنها نسبت به جایگاه‌شان یعنی پیروز یا مغلوب بودن متغیر است. «نتیجه اصلی جنگ، ایجاد زمینه مناسب برای افزایش مرگ و میر است و بیشتر موجب کاهش موقتی زاد و ولد می‌شود. بنابراین پس از جنگ خود را با یک نقصان جمعیتی مواجه می‌بینیم.» (بوتول، ۱۳۶۸: ۵۰). افزون‌بر این «ترکیب جمعیت نیز تحت تأثیر جنگ قرار می‌گیرد؛ چون از لحاظ تاریخی مردان سرباز کشته و یا به بردگی گرفته می‌شوند و زنان آنها به اجبار همچون همدم... در

اختیار فاتحان قرار می‌گیرند» (کاپلو، ۱۳۸۹: ۶۱). گواه این مطلب نمونه‌های فراوانی است که در قسمت‌های مختلف ترجمه تاریخ یمنی آمده است.

«خلقی بسیار بکشتند و راه اجتياز او بر منازل حشم غز بود. غزبان چند مرحله بر عقب او می‌رفتند و نفاضات لشکر را می‌کشتند و رحل و ثقل به تاراج می‌بردند» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۶۰۳).

«و جوی‌های خون در صحرای آن ملحمه براندند. فیلان جنگی به خرطوم سواران را درمی‌ربودند و در زیر پای پست می‌کردند تا خلقی نامحدود و جمعی نامعدود در آن معرکه فنا شد» (همان: ۱۲۱).

«امیر سیف‌الدوله حمله کرد و از میغ تیغ سیلاب خون در کوه و هامون براند و چهره سبزارنگ بنات هند از گلگونه خون ابناء حرب ارغوانی کرد» (همان: ۱۶۴).

«جمعی از معارف او اسیر کردند و خلقی را به شمشیر درآوردند و ساز و بنگاه ایشان به تاراج دادند» (همان: ۱۹۳).
«در وقت انتصاف روز به تیغ انتصاف قرب پنج هزار جیفه کفار بر صحرای آن مصاف طعمه کلاب و نجعه ذئاب کردند... و چپال را با احفاد و اولاد و اقارب و جمعی که از بطانه او اعتباری داشتند بگرفتند و در کمند قهر و اسر پیش سلطان کشیدند» (همان: ۲۰۹).

«از خون قرطه سرخ در سر عذراء قلعه کشیدند» (همان: ۳۲۹).

«چندان خون بریختند که آن نهر زخار و جوی خون خوار از حکم طهارت بیرون شد و مشارب آن بر هر شارب حرام گشت» (همان: ۳۳۶).

«نصر به تأدیب و تعریک همه قیام نمود و جمعی را به قتل آورد و خلقی را آواره کرد» (همان: ۳۶۰).

«همت‌ها برگماشتند... چند روز در... ضرب مناخر حلق، خون چون صوب انواء و ذوب انداء می‌چکید» (همان: ۳۶۵).
«چون روز به وقت زوال رسید از صدمه خیول و زحمت فیول خلقی بی‌شمار از لشکر خوارزم بر صحرای آن رزم بی‌جان گشته بودند و باقی روی به هزیمت آورده» (همان: ۳۷۵).

«از غزنه بیرون آمد و آوازه قصد جانبی دیگر برآورد و ناگاه در سر ایشان افتاد و شمشیر در ایشان بست و خلقی را به فنا آورد» (همان: ۳۸۹).

۲-۲-۴-۲ جنگ و اقتصاد

اقتصاد، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین و اثرپذیرترین مباحث جنگ است؛ به گونه‌ای که «طبق بعضی از نظریه‌های بسیار مهم، عوامل اقتصادی، علت اساسی تمام جنگ‌ها هستند» (بوتول، ۱۳۶۸: ۳۹)؛ زیرا هر جامعه‌ای که بخواهد جنگ را آغاز کند، چه جوامع بدوی و چه مدرن، همه باید در شروع جنگ، سرمایه‌ای برای اداره سپاهیان و تأمین آذوقه و اسلحه و... داشته باشند. از همین روی، انباشت ثروت در خزانه‌ها برابر با آغاز جنگ و شروع حمله‌ای دیگر بوده است. جنگ برای بعضی از افراد چیزی جز ضرر و زیان آوارگی، جنگ‌زدگی، بیکاری، پایین آمدن سطح تولیدات کشاورزی و دامی، مسدود شدن راه‌های ارتباطی و تجارتي و نداشتن تجارت دو طرفه نیست. البته برای گروهی دیگر، گروه پیروز، در ظاهر منافع و سودهای بسیاری دارد که جمع‌آوری غنایم و ثروت، به دست آوردن اسیران و بندگان، گشودن راه‌های تجاری و... را از آن جمله می‌توان به شمار آورد. در ترجمه تاریخ یمنی نیز به این نمونه‌ها اشاره شده است:

«در فرسه جرجان قحط برخاست و طعام نیافت شد» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۳۸)

«راه‌ها بسته شد و ماده غلات و اقوات منقطع گشت» (همان: ۲۵۹)

«راه قوافل و تجار میان دیار خراسان و هندوستان گشاده شد» (همان: ۳۱۲)

۲-۴-۳ آشکارشدن ارزش‌ها

جنگ گاهی باعث تجلی و آشکارشدن بعضی از ارزش‌ها و صفات پسندیده در جوامع می‌شود. «شرایط جنگی و تجاوز دشمن باعث می‌شود که مردم جامعه، هویت و حیثیت ملی و مذهبی و هستی خود را در مخاطره ببینند و بنابر معیار دینی یا سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی برای مقابله با آن رفتار خاصی را نشان دهند» (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۱۳۴). افراد در جنگ، شجاعت، پایداری، فداکاری، صداقت و ایثارگری و از خودگذشتگی را به اوج می‌رسانند. «اصحاب قابوس در آن بؤس نفوس شریف خود را به اندک بلغهای قانع کردند و بدانچه میسر می‌شد سداً مجاعت می‌کردند» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۳۸).

«قرب دو ماه در آن محاصرت، مصابرت نمود و لشکر دیلم در آن حادثه پای بیفشردند و سربازی‌ها کردند و دستبردها نمودند و در آن مصادمات از صدمه شمشیر نتافتند و چون نفس پیش اجل بازمی‌دویدند و به نوک تیر سنان موی می‌شکافتند... چون مدت مقام لشکر در گرگان امتداد یافت قحط برخاست و ماده قوت که مدد حیات بود بریده شد و کار به جایی رسید که نخاله جو با گل خمیر کردند و بدان سداً رمقی می‌رفت» (همان: ۵۱). «قرب بیست هزار مرد از مطوعه اسلام از اقصای ماوراءالنهر آمده بودند و منتظر ایام حرکت سلطان نشسته و شمشیرها کشید و تکبیر مجاهدت زده و... با آن جبّ غفیر و جمع کثیر از سر شوق سعادت و حرص شهادت به اشدق آن مخاوف و افواه آن تنایف فرورفت» (همان: ۳۷۸).

۲-۵ روان‌شناسی جنگ در ترجمه تاریخ یمنی

جنگ از نظر روحی و روانی بر افراد جامعه بسیار تأثیرگذار است؛ بنابراین لازم است از دیدگاه روان‌شناسی نیز بررسی و مطالعه شود. «روان‌شناسان معتقدند که جنگ از خصوصیات طبع بشری است. مطابق این نظریه بشر فطرتاً درنده‌خو و متجاوز است بنابراین جنگ اجتناب‌ناپذیر است» (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۱۴). پذیرش غریزی بودن جنگ و فطری بودن پرخاشگری باعث تبیین و توجیه علل جنگ و بسیاری از رفتارهای نادرست انسان می‌شود؛ البته گفتنی است که بسیاری از روان‌شناسان اهمیت و تأثیر تعلیم و تربیت و انتخاب شایسته افراد برای رهبری جوامع را پذیرفته‌اند. افرادی مانند پیروان فروید «یقین کامل دارند که در همه ما وجود ستیزه‌جویی مسلم است ولی غالباً آتشی زیر خاکستر است و ممکن است در دوره کودکی به صورت خصومت نسبت به پدر درآید و سپس متوجه تمام گروه گردد. این غریزه میل به انتقام‌جویی را در فرد تقویت می‌کند» (کلاین برگ، ۱۳۶۹: ۱۲۳)؛ هرچند ممکن است «برخی از افراد دیگر حالت‌های منفعلانه به خود گرفته، دچار حالت یأس و سرخوردگی و افسردگی گردند» (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۱۱۵). اگر این دیدگاه و نظریه‌ها درست باشد، این سؤالات به ذهن می‌رسد که چرا تعارض‌ها در برخی زمان‌ها و در بعضی مناطق جهان بیشتر است؟ مشارکت‌کنندگان، مورخان و متخصصان علوم اجتماعی در شروع بسیاری از تعارض‌ها، بارها مشاهده می‌کنند که جنگ بر اثر برخی تصمیمات آگاهانه، خردمندانه و محاسبه‌شده صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که تعارض مسلحانه بیشتر مانند ابزاری است که به طور عمدی و از روی قصد و هدف به کار گرفته شده است. از خود می‌توان پرسید چرا نقطه آغازین دیدگاه هنجاری، برخی از متخصصان رفتارشناسی حیوانی را به اشتباه نمی‌اندازد و چرا تحلیل آنها تحت تأثیر مشاهده نادرست پیشین آنها - اینکه تمایل دارد همه چیز در جنگ را غیرعقلایی بداند - قرار نمی‌گیرد؟ تجربه‌های جنگجویان و مطالعه رفتارها در جنگ نشان می‌دهند که مسئله اساسی در میدان نبرد... تحت تأثیر

غریزه طبیعی انسان برای پرخاشگری و نفرت، قاعده‌مند نمی‌شود؛ بلکه برعکس، مانع پیروی سربازان از غرایز طبیعی‌شان می‌گردد (کاپلو و ونسن، ۱۳۸۹: ۷۸ - ۷۹). آیا فرار در بین حیوانات متداول‌تر و رایج‌تر از پرخاشگری نیست؟ به‌طور کلی، جنگ چه امری فطری باشد و چه ابداع بشری، متأسفانه اثرات بسیار بدی بر سلامت و آرامش روانی جامعه بشری خواهد داشت.

بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روانی عوامل مختلفی دارد؛ از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، ارثی، عاطفی و... «که این عوامل هر یک به‌تنهایی یا در ارتباط با یکدیگر می‌توانند سبب ایجاد بیماری روانی گردند. در هیچ دوره‌ای از زندگی اجتماعی مردم یک جامعه، آمار بیماری‌ها و اختلالات روانی به وسعت و گستردگی دوران جنگ نیست. دلیل این فزونی ناهنجاری‌های روانی در حین جنگ عوارض و فشارهای ناشی از آن است. از دیدگاه روان‌شناسی... جنگ نوعی ضربه (Trauma) به حساب آورده شده است که می‌تواند تأثیرات نسبتاً عمیقی بر افراد بگذارد» (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

۲-۵-۱ اختلالات روانی (نوروسایکوز)

۱. «نورز، به‌هم‌خوردگی اعصاب و اختلال روانی است». یک نوع بیماری است که «به عاطفه، احساس، اخلاق و عادات اجتماعی انسان آسیب می‌رساند و شخص را عجیب، غیرعادی، بی‌موازنه و نامتعادل بارمی‌آورد» (حکمت، ۱۳۷۰: ۷۵). سایکوز، از دو کلمه یونانی «Psyche» به معنای روان و «osis» به معنای وضعیت غیرطبیعی تشکیل شده است (<https://fa.wikipedia.org/wiki>).

نمونه‌هایی از این اختلال در ترجمه تاریخ بیهیمی آمده است:

«احوال همه از تحسّر و ندامت متبدل گشت» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷۷).

«نامه‌ای به پسر آمد که پدر به مرض حرّض مبتلا گشت و لباس یأس پوشید... دامن درکشید و سر بتراشید و خود را در آتش انداخت» (همان: ۲۰۹ - ۲۱۰).

«او از هول ... خنجری که داشت برکشید و سینه خویش فرودرید» (همان: ۲۷۷).

«خود را در میان آب افگندند تا مگر کثرت آب و غزرات موج واقعی و حامی ایشان شود» (همان: ۳۸۰).

«کلچند خنجر بیرون کشید و زن خویشتن را به قتل آورد، پس شکم خویش را درید» (همان).

۲-۵-۲ اضطراب و ترس

ترس و اضطراب، یکی از عوارض روحی و روانی جنگ است که اثرات منفی بسیاری بر آرامش و اعمال فیزیولوژیکی افراد دارد. فرد در هنگام آشفتگی شدید به سبب نامطمئن بودن از اوضاع و احوالات پیرامون خود دچار ترس شدید می‌شود؛ این ترس سیستم دفاعی شخص و قدرت تعقل و تفکر او را ضعیف می‌کند و نمی‌تواند در رویارویی با مسائل پیش‌آمده درست عمل کند.

«نوح از حدوث این مشکل مبهم و وقوع این حادثه معضل هراسان و مضطرب گشت و شهر باز گذاشت و به جانبی متواری بنشست» (همان: ۹۵).

«غمناک شد و از آن غصّه انگشت حرازت و غیظ می‌خایید» (همان: ۱۶۷).

«متحیر شدند و انواع رعب و خوف بر مزاج ایشان استیلا یافت» (همان: ۱۷۴).

«حیرت مستولی شد و ترس و هراس غالب گشت و جهان بر همه تنگ آمد» (همان: ۱۷۵).

«هول و فزع مسکه تماسک ایشان بستد و خوف و رعب عرصه سینه ایشان فراگرفت» (همان: ۲۹۳).

«متردد میان خوف و رجا و مترقب طوارق بلا و صواعق عنا» (همان: ۳۵۳).

«سرگشته و متحیر گشت و خورشید رأی او در عقده آن وساوس به درجه کسوف رسید و خفیر تدبیر او در تیه تفکر شاهراه صواب گم کرد» (همان: ۱۰۳).

۲-۵-۳ فشار روانی (استرس)

فشار روانی یا استرس یکی دیگر از مشکلات فراگیری است که پس از وقوع حوادث در بین افراد بسیار مشاهده می‌شود. «هر نوع فشار روانی یا جسمی را که درجه آن از نظر قدرت یا تداوم از حد ظرفیت سازشی ارگانسیم فراتر رود و به ناسازگاری یا اختلال منجر شود استرس گویند» (باترا، ۱۳۷۵: ۵). استرس تهدیدی جدی برای سلامتی است و «موجب کاهش لذت و بهره‌وری فرد از یک زندگی پربار می‌شود و همچون سدی در برابر پیشرفت، ایفای نقش می‌کند» (همان).

«روز روشن بر چشم من تاری شد و خواب و قرار از من برفت و امید حیات منقطع گشت... و همه شب در هواجس آن محنت و وساوس آن وحشت مسامیر نجوم و مساور و جوم بودم دلی غمناک و چشمی نمناک و جانی بر شرف هلاک مترصد آنکه به وقت صبح محذور واقع شود و حادثه نازل گردد» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۷۷).

«من متردد که ضیافتی است یا آفتی و مخافتی و اذبه‌ای است یا موجب ندبه‌ای و قربتی است یا فاتحه‌ای کربتی؟ و... با قلقی تمام و رمقی بی‌آرام برنشستم. نه بنان را تمالک عنان ممکن و نه دست را قوت تماسک تازیانه باقی» (همان: ۷۷ و ۷۸). «و بیمی که در صمیم دل او متمکن گشته و خیالی که به حواشی خاطر او متطرق شده و نوازع ظنون عنان طمأنیت و سکون از دست او بسته» (همان: ۱۶۰).

«الیک خان بعد از هزیمت بلخ با ولایت خویش رفت بر غصه آن وهن متلهف و در اضطراب آن عجز متأسف... تا ازین غصه بر فراش مرگ افتاد» (همان: ۳۶۴).

۲-۵-۴ نفرت و تنفر

نفرت و تنفر از دیگر عوارض جنگ است که منشأ و سرچشمه جنگ‌های جدیدی می‌تواند باشد. تنفر، احساس دوست‌نداشتن شدیدی است که فرد ممکن است نسبت به اشخاص متجاوز در خود بیابد. در ترجمه تاریخ یمنی نیز به آن اشاره شده است.

«نفرت لشکر زیادت شد و همه دل بر خلع ربقه طاعت او نهادند» (همان: ۳۴۸).

«خلقی بر دست او به فنا رسیدند و دل‌ها ازو برمیدند و سینه‌ها به حقد او آغشته شد» (همان: ۳۴۷).

۲-۵-۵ بدگمانی و حسادت

بدگمانی و حسادت از آثار دیگر جنگ است که «روابط را به خطر می‌اندازد و نابود می‌کند و به‌راستی سمی مهلک است» (مرکل، ۱۳۸۷: ۸). بدگمانی یا سوءظن یکی از بزرگ‌ترین موانع همکاری، تعاون و اتحاد در یک اجتماع است و مانع اعتماد به دیگران می‌شود. گاهی یک گمان نادرست آتش جنگ‌های ویرانگر بزرگی را روشن کرده است.

«از سر سوءالظن و مخافت آفت عاقبت و هراس وخامت خاتمت و قرب عهد به حادثه برادر عذری نهاد و به علتی تمسک جست و از اجابت آن دعوت تخلف نمود» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۴۱).

«نوح را از این جرأت گمان بد افتاد» (همان: ۹۳).

«از روی مناقشت و حسد تهاون نمودند و رگ بازگرفتند» (همان: ۵۱).

۲-۶-۵ حيله و نيرنگ

مکر و نیرنگ نیز از اثرات جنگ در جامعه است. در دیدگاه حضرت علی^(ع) انسان مکرکننده همچون شیطان است؛ زیرا بارزترین صفت شیطان و لشکریانش مکر و فریب است. کسانی که نیرنگ می‌کنند در واقع مغلوب هوای نفس خویش هستند و نفس اماره آنها بر ایشان مسلط شده است. در ترجمه تاریخ یمنی این‌گونه آمده است:

«به تجسس احوال و تعرف از مسالک و بحث از مقادیر لشکر مشغول است» (همان: ۱۴۲).

«با ایشان به ظاهر توددی می‌نمود و دل و ضمیر او به هوای شمس‌المعالی قابوس مشحون بود» (همان: ۲۲۸).

«او را به انواع حیل و خدیعت بفریفتند و به کمند مکر به خود کشیدند» (همان: ۲۴۴).

«به وجوه حیل و انواع علل سلک جمعیت ایشان بگسست و همه را به قتل آورد» (همان: ۳۵۳).

۲-۵-۷ اسارت

اسارت یکی دیگر از اثرات جنگ است که بسیار بر روح و روان انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و حتی گاهی باعث مرگ شخص می‌شود. «اسارت یکی از موقعیت‌هایی است که در افراد، ناکامی ایجاد می‌کند؛ به دشواری می‌توان موقعیت‌های دیگری را تصور کرد که بتوانند بیش از این سبب ایجاد احساس ناکامی و درماندگی در فرد شوند» (نوربالا، ۱۳۷۴: ۱۱).

اسارت خود از مسائل روان‌شناسی نیست؛ اما آگاهی یافتن فرد از اسارتش به واکنش‌های عاطفی متفاوتی مثل واکنش‌های برخاسته از مشکلات روان‌شناختی و واکنش‌های روان‌تنی می‌انجامد. اسیرشدن در دست دشمن، ضربه‌ای روانی بر فرد وارد می‌کند که موجب کاهش نیروی روانی و جسمانی او خواهد شد (همان: ۱۲ و ۱۳)؛ بنابراین باتوجه به مطالعات انجام‌شده، همه اسیران اختلالاتی مانند اضطراب، افسردگی، ضعف جسمانی، استرس، حواس‌پرتی، جدایی از واقعیت و حتی ترس از بازگشت به وطن دارند و تنها گروه اندکی از آنها بر این اختلالات می‌توانند مسلط شوند و این دوره را نیز مانند سایر دوره‌های عمر به شیوه درست و بایسته‌ای پشت سر گذارند. نمونه‌هایی در این باره عبارت است از:

«لشکر خصم از پی او درآمدند و حمله کردند... خلقی بسیار به قتل آوردند و دیگران را در سلسله اسار کشیدند و به بخارا فرستادند و چون به حضرت رسیدند ایشان را به رسوایی تمام و مذلتی عظیم به میان بخارا برآوردند و مخانیث شهر با معازف و ملامی پیش ایشان بازآمدند و دوک‌های زنان در دست ایشان نهادند و به استهزاء و سخاریت اغانی و اهاجی می‌گفتند پس همگنان را در قلعه قهندز محبوس کردند تا برخی به اسوء حال به فنا رسیدند» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۷۵).

«ابن‌غریب را به دست آورد... ایشان را به قلعه جردین بردند و در مجلسی انداختند که اگر در خواب خیال آن وحشت بدیدی زندگانی برو منغص گشتی و روز بر چشم او تاریک شدی و جهان برو تنگ آمدی» (همان: ۱۳۹).

«اصفهد ابوالفضل را بگرفت و محبوس کرد و در حبس او بود تا وفات یافت» (همان: ۲۲۸).

«و به حبل اسار محکم بستند» (همان: ۲۴۴).

اسرا به علت محدودیت‌های انطباقی فیزیکی، روانی و اجتماعی فشارهای روانی زیادی احساس می‌کنند. افراد به علل مختلف از جمله ساختارهای شخصیتی گوناگون، واکنش‌های متفاوتی در برابر آن از خود نشان می‌دهند (نوربالا، ۱۳۷۴: ۱۱)؛ اما افرادی نیز هستند که اسارت را فرصتی برای خودسازی و تهذیب به شمار می‌آورند و در این دوران مراحل کاملی از رشد و مسیر تعالی عرفانی و کمال شخصیتی را طی می‌کنند؛ مراحلی که در شرایط عادی شاید هیچ‌گاه بدین صورت نمی‌توانستند آن را بپیمایند؛ البته به‌طورکلی، باز نیز چهره جنگ، زشت، کریه و زجرآور است.

۳- نتیجه‌گیری

علت‌های شروع جنگ در عصر غزنویان، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در ترجمه تاریخ یمنی و با تمرکز بر مسائل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جنگ، عبارت است از: (۱) کسب قدرت و تحکیم آن از روش‌های مختلف مانند داشتن نیروی انسانی و نظامی بسیار، (۲) غیرت و حمیت، (۳) طمع، (۴) تلافی‌کردن، (۵) خشم و نفرت، (۶) غارت و کسب غنیمت، (۷) مسائل مذهبی و عقیدتی. درحقیقت این عوامل بهانه‌هایی برای کسب قدرت و چپاول ملت‌ها در دست سلاطین وقت بود؛ آنان بر کشورها و سرزمین‌ها می‌تاختند و اموال و دارایی مردم را به یغما می‌بردند.

اثرهای اجتماعی جنگ در جامعه آن روز را این‌گونه می‌توان بیان کرد: (۱) تغییرات و تحولات در جمعیت، (۲) اقتصاد، (۳) تبلور و تجلی ارزش‌ها و صفات پسندیده در جامعه.

جنگ از دیدگاه روان‌شناسی بر روح و روان انسان‌ها اثرگذار است. آثار آن با توجه به ترجمه تاریخ یمنی عبارت است از: (۱) اختلالات روانی و ایجاد وضعیت غیرطبیعی در اشخاص، (۳) ایجاد اضطراب و ترس، (۴) نفرت، (۵) بدگمانی و حسادت، (۶) مکر و حيله و نیرنگ، (۷) اسارت که گاهی باعث ایجاد احساس ناکامی و درماندگی در افراد می‌شد و به مرگ شخص می‌انجامید.

با آشکارشدن نتایج جنگ، نادرستی ادعاهای حاکمان معلوم شده است. هیچ‌کس نمی‌تواند اثرات نابودگر جنگ بر جامعه بشری را منکر شود. همیشه و در هر دوره‌ای، افرادی جاه‌طلب و سودجو هستند که با بهانه‌های مختلف و اهداف پست مانند کسب قدرت و... می‌خواهند بر طبل جنگ بنوازند تا به مکاید شیطانی خود دست یابند. امروز نیز مانند گذشته است و تفاوتی فرقی نمی‌کند؛ اهداف همان اهداف است. حوادث شبیه یکدیگر است و تاریخ تکرار می‌شود. امروز آلات و اسباب جنگ تغییر کرده است و با شعارهایی مثل حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریست و... و از طریق اندیشه‌سازی و تسلط بر افکار عمومی با کمک رسانه و... وارد میدان شده‌اند؛ بنابراین لازم است با خواندن، فهمیدن و تحلیل درست نوشته‌های گرانقدر بزرگان، چگونگی رفتار در رویارویی و مقابله با حوادث زمان دانسته شود.

منابع

۱- قرآن مجید.

۲- نهج البلاغه، (۱۳۸۰). جلد دوم، ترجمه مصطفی زمانی (ره)، قم: انتشارات فاطمه الزهرا (س).

۳- آذربون، ریچارد؛ بورین، وان لون (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی (قدم اول)، ترجمه رامین کریمیان، تهران: مؤسسه جهان کتاب.

۴- آگ برن، ویلیام فیلدینگ؛ نیم کف، مایرفرانسیس (۱۳۵۳). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ هفتم.

۵- ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمان (۱۳۸۳). العبر تاریخ ابن‌خلدون جلد سوم، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.

۶- اتکینسون، ریچارد؛ هیلگارد، ارنست (۱۳۸۵). زمینه روان‌شناسی جلد اول، ترجمه حسن رفیعی و محسن ارجمند، تهران: ارجمند.

۷- ادیبی سده، مهدی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاه‌ها (سمت).

- ۸- اسپربر، مانس (۱۳۷۹). تحلیل روان‌شناختی استبداد و خودکامگی، ترجمه علی صاحبی، تهران: ادب و دانش.
- ۹- باترا، پرومود (۱۳۷۵). رهایی از استرس، ترجمه محمدرضا شیدفر، مشهد: سیاوش.
- ۱۰- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۶۲). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- بوتول، گاستون (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۲- بهار، محمدتقی (۱۳۸۱). سبک‌شناسی جلد دوم، تهران: زوار.
- ۱۳- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ، زیر نظر معاونت پژوهشی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۴- تاوریس، کارول (۱۳۸۸). روان‌شناسی خشم، ترجمه احمد تقی‌پور و سعید درودی، تهران: دایره.
- ۱۵- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۱۳۷۴). ترجمه تاریخی یمینی، تصحیح جعفر شعار، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ سوم.
- ۱۶- ----- (۱۳۸۲). ترجمه تاریخی یمینی، تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ۱۷- حیدری، سیدجمال (۱۳۷۷). فرهنگ دانستنی‌های تاریخ و تمدن اسلام، تهران: پیام محراب.
- ۱۸- حکمت، سعید (۱۳۷۰). روان‌پزشکی کیفری، تهران: گوتنبرگ.
- ۱۹- خلیل‌الله مقدم، احمد (۱۳۸۰). تاریخ مستند ایران و جهان، از عهد سومر تا عصر پهلوی، تهران: جمالی‌پور و دژ.
- ۲۰- داعی‌الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۶۲). فرهنگ نظام فارسی به فارسی، تهران: شرکت دانش، چاپ دوم.
- ۲۱- سلیم، غلامرضا (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، تهران: توس.
- ۲۲- شمیسا، سیروس (۱۳۷۷). سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا.
- ۲۳- شیروانی، علی (۱۳۹۰). نهج‌الفصاحه، قم: اندیشه مولانا.
- ۲۴- قلی‌زاده، فرض‌اله (۱۳۷۱). کلیات روان‌شناسی جلد اول، تبریز: احرار (آزادگان تبریز).
- ۲۵- قرائی مقدم، امان‌الله (۱۳۸۶). مبانی جامعه، تهران: ابجد، چاپ ششم.
- ۲۶- کاپلو، تئودور؛ ونسن، پاسکال (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۲۷- کلاین برگ، اتو (۱۳۷۶). روان‌شناسی اجتماعی (جلد اول)، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: اندیشه.
- ۲۸- مرکل، رالف (۱۳۸۷). حسادت، ترجمه رویا پورمناف، تهران: نسل نواندیش.
- ۲۹- نوربالا، احمدعلی (۱۳۷۴). روان‌شناسی اسارت و عوارض روان‌پزشکی ناشی از آن، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه شاهد.
- ۳۰- هیندس، بای (۱۳۸۰). گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: چاپ فاروس.